

# خلیج فارس در هنگامه یورش اسکندر

بر اساس کتاب ایندیکا آریان نیکومدی

علی علی بابایی درمینی

**دانشجوی دکتری تاریخ ایران باستان - دانشگاه تهران**

# فهرست

مقدمه

۳

معرفی آریان و اهمیت کتاب «ایندیکا»

۴

موقعیت جغرافیایی و وضعیت زندگی  
ساحل نشینان خلیج فارس در هنگامه یورش اسکندر

۶

مقاومت ساحل نشینان خلیج فارس در برابر هجوم اسکندر  
مقدونی

۹

مهارت ایرانیان در دریانوردی در دوره هخامنشیان

۱۰

نتیجه گیری

۱۱

کتابنامه فارسی

۱۲

کتابنامه لاتین

۱۲

نقشه فارسی دریانوردی نئارخوس

۱۳

نقشه لاتین دریانوردی نئارخوس

۱۴

### مقدمه

با وجود اینکه منابع پرشماری برای بررسی یورش اسکندر به ایران مانند آثار پلوتارک، دیودور سیسیلی و ... در دست است، اما هیچ یک از آنها به اندازه کتاب « ایندیکا» و سایر آثار آریان نیکومدی جزئیات سودمندی در مورد وضعیت تاریخی و موقعیت جغرافیایی خلیج فارس و پسرانه‌های آن در هنگامه یورش اسکندر مقدونی به دست نمی‌دهد.

پژوهشگر با مطالعه کتاب ایندیکا با جزئیاتی از زندگی مردم پس کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان آشنا می‌شود؛ این جزئیات مفید به لطف کتاب ایندیکا برای ما حفظ شده‌است و امروزه پژوهشگران به چنین جزئیاتی در مورد زندگی مردم سایر مناطق ایران، به طور مثال پس کرانه‌های دریای مازندران در زمان هخامنشیان، آگاهی ندارند.

نکاتی که در آثار آریان نیکومدی در مورد پسرانه‌های خلیج فارس در هنگامه یورش اسکندر حائز اهمیت است، از این قرار است؛ تقسیم بندی های دقیق اداری در زمان هخامنشی، (این تقسیم بندی ها به حدی دقیق است که حتی برای یک بیگانه مانند نئارخوس<sup>1</sup> هم کاملاً شناخته شده است.)، مهارت ایرانیان در امر کشتی رانی در خلیج فارس، علامت گذاری قسمت های کم عمق خلیج فارس برای عبور بی خطر کشتی ها و زندگی شگفت آور ساحل نشینان منطقه مکران که در روزگار هخامنشیان «ماهی خورها» نامیده می شدند. در این مقاله کوشش می شود تا با بررسی این نکات اندکی به روشتر شدن برهه‌ای از تاریخ خلیج فارس یاری شود.

---

<sup>1</sup> . Nearchus

معرفی آریان و اهمیت کتاب «ایندیکا»  
آریان نیکومدی<sup>۲</sup> (۸۶-۱۸۰م) در شهر نیکومدیا، از شهرهای یونانی امپراطوری روم به دنیا آمد.  
آریان در جوانی نزد اپیکور<sup>۳</sup> (۵۰-۱۲۵م)، فیلسوف مشهور یونانی فلسفه خواند. در بین شاگردان  
اپیکور امپراطور آینده هادریان<sup>۴</sup> بود که تا پایان عمر دوست آریان بود.

آریان در سال ۱۱۷م به عنوان یک افسر وارد ارتش روم شد؛ به نظر می‌رسد که آریان در این زمان  
در لشکرکشی تراژان<sup>۵</sup> امپراطور روم بر ضد پارتها شرکت کرده باشد. در سال ۱۲۹م آریان به مقام  
کنسول روم رسید و پس از آن حکمران کاپادوکیه شد. در این منصب آریان به فرمادهی ۲ لژیون  
رومی رسید و به سواحل شمالی دریای سیاه سرکشی می‌کرد؛ در این زمان مناطق شرقی و شمالی  
روم از سوی آلانها مورد تهدید واقع می‌شد و آریان کوشش می‌کرد تا حملات آنها را دفع کند.  
آریان در سال ۱۳۷م از مناصب حکومتی کناره گرفت و در آتن به عنوان یک یک شهروند بلند  
پایه ساکن شد و به نگارش کتابهایش مشغول شد.

کتابهای آریان رامی توان در سه گروه کلی تقسیم بندی کرد:

- ۱- کتابهای فلسفی، در مورد آموزه های اپیکور
- ۲- کتابهایی در مورد نبرد روم با پارتها و آلانها، کتاب معروف آریان در این ارتباط، «شیوه  
جنگ با آلانها» نام دارد، که قطعه های باقیمانده از این کتاب از منابع معتبر برای بررسی  
تاکتیکهای جنگی لژیون های رومی می باشد.
- ۳- اما مهمترین کتاب آریان که شهرت او به سبب نگارش آن کتاب است، «آناباسیس»<sup>۶</sup> یا  
لشکرکشی اسکندر است. این کتاب از مهمترین منابع برای بررسی لشکرکشی اسکندر به  
آسیا می باشد.

آریان در این کتاب از میان ۳ منبع اصلی تاریخ اسکندر؛ که شامل گفته ها و نوشته های  
آریستوبولوس<sup>۷</sup>، بطلمیوس<sup>۸</sup> و کلیتارخوس<sup>۹</sup>، می باشد، تنها از ۲ منبع اول بهره گرفت. آریان  
کلیتارخوس را که به باور او به افسانه پردازی پرداخته، کنار گذاشت. آریان همچنین دو دلیل دیگر  
برای ترجیح دادن آریستوبولوس و بطلمیوس بر کلیتارخوس دارد:

- ۱- آریستوبولوس و بطلمیوس در لشکرکشی اسکندر به آسیا شرکت داشتند و از نزدیک شاهد  
وقایع این لشکرکشی بودند.

---

2. Arrian of Nicomedia  
3. Epictetus  
4. Hadrian  
5. Trajan  
6. Anabasis  
7. Aristobulus  
8. Ptolemy  
9. Cleitarchus

۲- از میان این دو نفر، بطلمیوس، در مقام شاه مصر، دارای دربار باشکوهی بود و آریان بر این باور است که یک شاه هیچ گاه نمی تواند دروغ بگوید، و نتیجه می گیرد که اظهار نظرهای بطلمیوس در ارتباط با لشکرکشی اسکندر کاملاً موثق است.

آریان خود نیز مانند بطلمیوس، در مقام حکمران کاپادوکیه درباری مجلل داشت. او در جنگهای متعددی با آلانها شرکت جسته بود و به احتمال قوی در لشکرکشی تراژان بر علیه پارتها یکی از فرماندهان رومیها بوده است، از اینرو در مقایسه با سایر راویان تاریخ اسکندر احساس نزدیکی بیشتری با بطلمیوس داشته، و به مانند همان دلایل ذکر شده برای موثق بودن تاریخ بطلمیوس، تاریخ خود را به دور از افسانه سرایی می داند. آریان را به سبب اشتغال به حرفه تاریخنگاری و در کنار آن، رسیدگی به امور نظامی، «گزنفون ثانی» نامیده‌اند، اما آریان خود را «اسکندر مورخان» می‌نامد.

کتاب «ایندیکا»<sup>۱۰</sup>ی آریان در حقیقت ضمیمه کتاب آناباسیس آریان می باشد. کتاب آناباسیس ۷ بخش دارد که در برخی از چاپها ایندیکا بخش هشتم این کتاب در نظر گرفته می شود. آریان، قسمت اول کتاب ایندیکا را از نوشته های «مگاستنسن»<sup>۱۱</sup>، دریانورد یونانی وام گرفته که در زمان یونانیان باختر به «پتنا» از شهرهای هند سفر کرده است.

قسمتی از کتاب ایندیکای آریان که به سفر او در سواحل خلیج فارس و دریای عمان مربوط می شود، به سبب اهمیت آن برای آگاهی از جغرافیای ایران، در قرن گذشته توسط اعتماد السلطنه منشی ناصر الدین شاه قاجار ترجمه شد و در کتاب «مرآه البلدان» که در مورد جغرافیای ایران می باشد آورده شد. به هر رو ایندیکا گزارشی منحصر به فرد در مورد شرایط سیاسی و اجتماعی خلیج فارس در دوره هخامنشیان می باشد.<sup>۱۲</sup>

<sup>10</sup> . Indica

<sup>11</sup> . Megasthenes

<sup>۱۲</sup> . زندگی آریان برداشتی کوتاه شده از سایت اینترنتی Livius نوشته Jona Lenderig است.

<http://www.livius.org/arl-arz/arrian/arrian.html>

## موقعیت جغرافیایی و وضعیت زندگی ساحل نشینان خلیج فارس در هنگامه یورش اسکندر

یکی از منابع مهم پژوهش در مورد اقوام ساکن در ساتراپهای جنوبی ایران، گزارش مورخان یونانی در مورد آرایش جنگی ایرانیان در جنگهای گوناگون، و به طور مثال جنگ اربل (گوگامل) است. در این آثار مورخان یونانی گهگاه نام برخی مکانها و یا برخی از اقوام را جابجا ذکر کرده اند. به طور مثال کنت کورث<sup>۱۳</sup> از شرکت جستن هندی ها و مردمان سواحل دریای احمر در کنار پارسها و شوشی ها در این جنگ سخن می گوید،<sup>۱۴</sup> همچنین آریان از شرکت ساحل نشینان دریای احمر در کنار شوشی ها در این جنگ یاد می کند.<sup>۱۵</sup>

با توجه به اینکه کنت کورث از جنگیدن هندیها در کنار ساکنان مناطق ساحلی دریا احمر در سپاه داریوش سوم نام می برد، به این نتیجه می رسیم که منظور کنت کورث از «ساکنان دریای احمر»، ساکنان مناطق ساحلی دریای عمان بوده است که در مجاورت هندیها زندگی می کنند.

از سوی دیگر، هرودوت نیز در کتاب سوم خود از حبشیان آسیا و پاریکانها در ساتراپ هفدهم هخامنشی نام می برد که ۴۰۰ تالان نقره خراج می پرداختند.<sup>۱۶</sup> هرودوت در جای دیگر، هنگامیکه از تیره های ایرانی تشکیل دهنده سپاه خشایارشا نیاد می کند، از حبشیان آسیا و حبشیان آفریقا در کنار یکدیگر نام می برد.<sup>۱۷</sup> پس هرودوت برخلاف آریان و کنت کورث درک صحیحی از تفاوت میان حبشیان آسیا و حبشیان آفریقا داشته است.

با جمع بندی بالا از گزارشهای هرودوت و مورخان نخستین سده های میلادی، به این نتیجه می رسیم: سرزمینی که در زمان هرودوت «حبشه آسیا» نامیده می شد در زمان آریان به این اسم نامیده نمی شده است، و سرزمین «ماهی خورها» یا «ایختوفاکیه»<sup>۱۸</sup> نامیده می شده است. در عوض، در نخستین سده های میلادی، سرزمینی که در غرب دریای احمر واقع

<sup>13</sup> Rufus Quintus Cortius

<sup>14</sup> Rufus Quintus Cortius, *The History of Alexander*, Translated By John Yardley, Penguin Classics press, London, ۱۹۸۴م, Book4, Chapter 12

<sup>15</sup> Arrian, *Anabasis*, Translated By P. A. Brunt, LEOB Press, HARVARD College, ۱۹۸۳م, Book3, Chapter11.

<sup>16</sup> Herodotus, *Historeis* Translated By A.D.Godley, LEOB Press, HARVARD College ۱۹۲۲م, Book3, Chapter ۹۴.

<sup>17</sup> Herodotus, *Historeis* Translated By A.D.Godley, LEOB Press, HARVARD College ۱۹۲۲م, Book7, Chapter 70.

<sup>18</sup> Eachtophagia

شده بود حبشه نام داشته و مورخان این عصر اطلاعی از «حبشه آسیا»<sup>۱۹</sup> زمان هرودوت نداشتند و در نوشته های هرودوت هرکجا که «حبشه آسیا» می دیدند آنرا به مناطق ساحلی دریای احمر نسبت می دادند.

به هر شکل نام بردن از ساحل نشینان دریای عمان و خلیج فارس به عنوان گروهی مجزا در سپاهیان داریوش سوم و خشایارشا، حاکی از اهمیت این خطه در نظام اداری دوره هخامنشی می باشد.

اکنون به معرفی دقیقتر سرزمینهای جنوبی ایران هخامنشی بر مبنی سفرنامه نئارخوس می پردازیم که در مجاورت دریای عمان و خلیج فارس بودند:

۱- شرقی ترین این سرزمینها، سرزمین ماهی خورها بود که بنا به گفته نئارخوس طول سواحل آن با دریای عمان ۱۰۰۰۰ استادیون<sup>۲۰</sup> بوده است. در شمال این منطقه سرزمین «گدروزیا»<sup>۲۱</sup> قرار داشته است.<sup>۲۲</sup>

۲- در غرب سرزمین ماهی خورها، کرمان قرار داشت که طول سواحل آن با دریای عمان و خلیج فارس ۳۷۰۰ استادیون بوده است.<sup>۲۳</sup>

۳- در غرب کرمان، ساتراپ پارس قرار داشته که طول سواحل آن با خلیج فارس ۴۴۰۰ استادیون بوده است.<sup>۲۴</sup>

۴- در غرب ساتراپ پارس، ساتراپ شوش قرار داشته که طول سواحل آن با خلیج فارس ۲۰۰۰ استادیون بوده است.<sup>۲۵</sup>

نئارخوس همچنین، ساتراپ پارس را به ۳ منطقه شنی و ماسه ای در جنوب، معتدل در مرکز، و سرد و کوهستانی در شمال تقسیم می کند. او محدوده ۴ منطقه فوق الذکر را اینچنین مشخص می کند: سواحل دریای عمان را تا تنگه هرمز بخشی از سرزمین ماهی خورها می داند، از تنگه هرمز تا

<sup>۱۹</sup> . آریان در بخشی از ایندیکا می گوید: «نئارخوس تعهد کرد تا ناوگان اسکندر را از رود سند تا خلیج فارس که برخی آنرا «دریای احمر» می گویند هدایت کند.» این نکته نیز به نوبه خود از جایجا گرفته شدن حبشیان آسیا با حبشیان آفریقا و به تبع آن خلیج فارس با «دریای احمر» ناشی شده است. Arrian, Anabasis, Translated By, P. A. Brunt, LEOB Press, HARVARD College

Chapter19, Book8(Indica), ۱۹۸۳م

<sup>۲۰</sup> . هر استادیون معادل ۱۵۲.۵ متر است.

<sup>۲۱</sup> . Gedrosia

<sup>۲۲</sup> . Arrian, Anabasis, Translated By, P. A. Brunt, LEOB Press, HARVARD College, Chapter29, Book8(Indica), ۱۹۸۳م

<sup>۲۳</sup> . Arrian, Anabasis, Translated By, P. A. Brunt, LEOB Press, HARVARD College, Chapter38, Book8(Indica), ۱۹۸۳م

<sup>۲۴</sup> . Arrian, Anabasis, Translated By, P. A. Brunt, LEOB Press, HARVARD College, Chapter40, Book8(Indica), ۱۹۸۳م

<sup>۲۵</sup> . Arrian, Anabasis, Translated By, P. A. Brunt, LEOB Press, HARVARD College, Chapter42, Book8(Indica), ۱۹۸۳م

جزیره کاتائآ cataea<sup>۲۶</sup> راجزئی از سواحل کرمان می داند. از آن جزیره تا رودخانه آاراتیس oaooratis (رودخانه هندیجان)<sup>۲۷</sup>، جزئی از پارس و از آنجا تا رود کارون، بر اساس نوشته های نئارخوس جزئی از ساتراپ شوش بود.

نئارخوس با بیان این نکته که سواحل ساتراپ پارس باتلاقی بوده است، جزئیات چندانی از در ارتباط با وضعیت سواحل این منطقه بیان نمی کند، اما در ارتباط با سرزمین ماهی خورها یا حبشیان آسیا، نئارخوس اطلاعات بسیار خوبی در اختیار پژوهشگران قرار می دهد.

این منطقه بر طبق کتیبه های هخامنشی «مک» نام دارد،<sup>۲۸</sup> که همان مکران دوره اسلامی می باشد.<sup>۲۹</sup> نئارخوس در وصف زندگی ماهی خورها می گوید: «اساس زندگی این مردم بر مبنای ماهی است».<sup>۳۰</sup> در توضیح این جمله باید بگویم که این مردم نه تنها ماهی می خوردند بلکه از استخوان ماهی های بزرگ در ساختن خانه استفاده می کردند. آنها همچنین، با خشک کردن ماهی ها از آرد آن برای پختن ماهی استفاده می کردند.

با ورود به کرمان نئارخوس با تمدن پیشرفته تری در فلات ایران روبرو شد. نئارخوس، پوشش گیاهی کرمان را بسیار بهتر از سرزمین ماهی خورها توصیف می کند: «در این سرزمین همه نوع میوه به جز زیتون رشد می کند».<sup>۳۱</sup> نئارخوس رفتار مردم کرمان دوستانه و سبک زندگی آنها را مانند پارسیان می داند، همچنین تجهیزات نظامی آنها را مانند نوع پارسیان می داند.<sup>۳۲</sup>

## پایداری ساحل نشینان جنوب ایران در برابر هجوم اسکندر

نوشته های مورخان یونانی و رومی در ارتباط با فتوحات اسکندر این تصور را به وجود می آورد که پیروزیهای اسکندر در ایران برق آسا و قاطع بوده است، اما در حقیقت غلبه اسکندر بر ارتش

<sup>26</sup> . Arrian ، Anabasis ، Translated By ، P . A. Brunt ، LEOB Press ، HARVARD College ، Book8(Indica) ، Chapter37 ، ۱۹۸۳م،

<sup>27</sup> . Arrian ، Anabasis ، Translated By ، P . A. Brunt ، LEOB Press ، HARVARD College ، Book8(Indica) ، Chapter39 ، ۱۹۸۳م،

<sup>28</sup> . شارپ، رلف نرمن، فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی، انتشارات پازینه، تهران، ۱۳۸۴، DB صفحه ۳۳، D Pe ، صفحه ۸۳، D Na صفحه ۸۵.

D Se صفحه ۹۳، D Ne ، صفحه ۱۴۳، X Ph صفحه ۱۱۹

<sup>29</sup> . به ظن قوی نام «مکران» از نام «ماهی خورها» گرفته شده است.

<sup>30</sup> . Arrian ، Anabasis ، Translated By ، P . A. Brunt ، LEOB Press ، HARVARD College ، Book8(Indica) ، Chapter29 ، ۱۹۸۳م،

<sup>31</sup> . Arrian ، Anabasis ، Translated By ، P . A. Brunt ، LEOB Press ، HARVARD College ، Book8(Indica) ، Chapter33 ، ۱۹۸۳م،

<sup>32</sup> . به همین سبب است که در کتیبه های هخامنشی و نوشته های یونانی کرمان ساتراپ مستقلی نبوده و بخشی از ساتراپ پارس است.



هخامنشی باعث نشد تا مقاومت‌های سازماندهی شده و پراکنده در سراسر ایران بر علیه او شکل نگیرد، مقاومت‌هایی که اشغال کامل ایران توسط اسکندر را با تردید جدی مواجه می‌سازد. از جمله این مقاومت‌ها می‌توانیم به مقاومت‌های ساحل نشینان و ساکنان پس کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان اشاره کنیم؛ در گذر از سرزمین ماهی خورها، نئارخوس به همراه ناوگان نئارخوس با اشکال جدی برای تهیه آذوقه مواجه می‌شوند. آنها تصمیم می‌گیرند تا برای تهیه آذوقه به یک شهر حمله کنند و آذوقه خود را به زور از مردم آن شهر بگیرند زیرا که این منطقه هنوز به تصرف سپاهیان اسکندر در نیامده بود و بعید بود که ساکنان شهر با رضایت آذوقه مورد نیاز مقدونی‌ها را تهیه کنند.

پس از حمله سپاهیان نئارخوس، مردم شهر در پناه استحکامات آن شهر به سختی از شهرشان دفاع می‌کنند، سپاهیان نئارخوس شهر آنها را محاصره می‌کنند و آنها نیز به سبب کمبود آذوقه، در نهایت مجبور می‌شوند که آذوقه مورد نیاز نئارخوس تهیه کرده، و با آنها مصالحه کنند.<sup>۳۳</sup> گزارش نئارخوس از قلعه‌ای با باروهای بلند در سرزمین ماهی خورها حاکی از وجود بندرگاهی با استحکامات پیشرفته در آن نقطه دور افتاده ایران هخامنشی بوده است. به احتمال قوی از این بندرگاه به منظور تامین امنیت کشتی‌هایی استفاده می‌شده که در زمان هخامنشیان از آنجا می‌گذشتند.

**گزارش دیگر نئارخوس حاکی از پایداری مردم پس کرانه‌های خلیج فارس در برابر در برابر سپاهیان مقدونی است، این پایداری در زمانی رخ می‌دهد که اسکندر از هند برگشته بود؛ یعنی زمانی که بر طبق منابع رومی و یونانی، اشغال ایران توسط مقدونی‌ها به اتمام رسیده است !!!**

در کرمان، نئارخوس از مطلع شد که اسکندر در بازگشت از هند، به کرمان رسیده است، و فاصله او تا ساحل ۵ روز است. نئارخوس پس از آگاهی از این امر برای دادن خبر سلامتی خود و ناوگانش، به سرعت رهسپار دیدار با اسکندر شد و پس اطمینان اسکندر از سلامتی نئارخوس و ناوگانش، نئارخوس به هرمز بازگشت.<sup>۳۴</sup>

اسکندر گروهی تاز سربازان خود را مامور کرد تا نئارخوس را در راه بازگشت به هرمز<sup>۳۵</sup> یاری کنند. در راه بازگشت و در پس کرانه‌های خلیج فارس سپاهیان مقدونی مجبور شدند تا با سه گروه

<sup>33</sup> . Arrian ، Anabasis ، Translated By ، P . A. Brunt ، LEOB Press ، HARVARD College، ۱۹۸۳، Book8(Indica) ، Chapter27,28

<sup>۳۴</sup> . گزارش نئارخوس حاکی از وضع نابسامان روحی اسکندر در بازگشت از هند است.

<sup>۳۵</sup> . میناب امروزی

مختلف از تیره‌های ایرانی که کوشش می‌کردند راه آنها را سد کنند، بجنگند و به سختی به هرمز بازگشتند.<sup>۳۶</sup>

پایداری ساکنان پس‌کرانه‌های خلیج فارس در برابر اسکندر، آنهم در زمانی که اسکندر خود در آن منطقه حضور داشت، حاکی از مقاومت‌های گسترده، در سایر نقاط ایران در برابر متجاوزان می‌باشد.

مهارت ایرانیان در دریانوردی در دوره هخامنشیان گزارش نئارخوس در مورد دریانوردی‌اش در سواحل خلیج فارس و دریای عمان، نشانگر بهره‌گیری او از راهنمایان ایرانی است که در طول سفر دریایی‌اش است. وجود این راهنمایان سابقه و مهارت ایرانیان را در امر دریانوردی در خلیج فارس به اثبات می‌رساند.

راهنمای نئارخوس در سواحل دریای عمان، یک ایرانی گدروزیایی به نام هیدراکس<sup>۳۷</sup> بود این شخص نئارخوس را از مسارنا<sup>۳۸</sup> در سواحل ماهی‌خورها تا سواحل کرمان راهنمایی کرد.<sup>۳۹</sup> نام ایرانی این شخص از رواج فرهنگ ایرانی در سواحل دریای عمان در دوره هخامنشیان حکایت دارد.

در جزیره آراکتا (oaracta) (قشم)، حکمران ایرانی این منطقه، مازانس<sup>۴۰</sup>، نئارخوس را از قشم تا نزدیکی ساتراپ شوش راهنمایی کرد.<sup>۴۱</sup> تداوم حکومت مازانس به عنوان فرماندار ایرانی قشم، که به احتمال قوی از سوی ساتراپ پارس منصوب شده بود، حاکی از تداوم نظام‌های سیاسی-اداری هخامنشی در سواحل خلیج فارس به هنگام هجوم اسکندر مقدونی به ایران است.

نئارخوس و ناوگانش پس از پشت سر گذاشتن تنگه هرمز و دریانوردی در طول خلیج فارس، با علائمی مواجه شد که مناطق کم‌عمق خلیج فارس را مشخص می‌کرد؛ محدوده کم‌عمق بوسیله تیرکهای عمودی که در بستر دریا فرو رفته بودند، مشخص شده بود تا از به گل نشستن کشتی‌ها جلوگیری کنند.<sup>۴۲</sup> این گزارش نیز به نوبه خود، حاکی از وجود تشکیلات منظمی برای دریانوردی در خلیج فارس در دوره هخامنشیان می‌باشد.

نتیجه گیری

<sup>36</sup> . Arrian ، Anabasis ، Translated By ، P . A. Brunt ، LEOB Press ، HARVARD College ،  
Book8(Indica) ، Chapter36

<sup>37</sup> . Hydraces

<sup>38</sup> . Mosarna

<sup>39</sup> . Arrian ، Anabasis ، Translated By ، P . A. Brunt ، LEOB Press ، HARVARD College ،  
Book8(Indica) ، Chapter27

<sup>40</sup> . Mazenes

<sup>41</sup> . Arrian ، Anabasis ، Translated By ، P . A. Brunt ، LEOB Press ، HARVARD College ،  
Book8(Indica) ، Chapter37

<sup>42</sup> . Arrian ، Anabasis ، Translated By ، P . A. Brunt ، LEOB Press ، HARVARD College ،  
Book8(Indica) ، Chapter41

ساکنان سواحل خلیج فارس و دریای عمان در هنگامه یورش اسکندریه ایران، حضور بیگانگان را احساس نکردند، به طور کلی مقدونی‌ها نیز آگاهی چندانی از این سواحل نداشتند، بنا بر نوشته‌های آریان سفر نئارخوس یک سفر اکتشافی برای یافتن بندرگاه‌های مناسب این منطقه و همچنین بررسی امکان تهیه آذوقه از این مناطق برای سپاهیان اسکندر بوده است.<sup>۴۳</sup> ناشناختگی این مناطق برای مقدونی‌ها حتی در آستانه بازگشت اسکندر از هند، عدم تسلط آنها را بر این منطقه آشکار می‌کند.

پایداری مردم پس‌کرانه‌های خلیج فارس و ساحل‌نشینان دریای عمان (ماهی‌خورها) در برابر سپاهیان نئارخوس نیز دلیل دیگری حاکی از عدم اشغال این مناطق توسط سپاهیان مقدونی، تا زمان بازگشت اسکندر از هند است، تسلط حکام محلی «فرتاکار»<sup>۴۴</sup> در دوران سلوکیان بر پارس و سواحل آن نیز به گونه‌ای از عدم تسلط مقدونی‌ها بر آن منطقه در دوره سلوکیان حکایت دارد. در مجموع، از گزارش‌های نئارخوس در مورد خلیج فارس و دریای عمان می‌توانیم موقعیت جغرافیایی این منطقه و وضعیت زندگی ساکنانش، مانند مهارت آنها در دریانوردی و محدوده جغرافیایی مناطق ساحلی پی‌بیریم محدوده که بنا به گزارش نئارخوس به گونه‌ای بسیار دقیق مشخص بوده است، و این امر از نظم و ترتیب نظام اداری هخامنشیان حکایت دارد.

<sup>43</sup> . Arrian ، Anabasis ، Translated By ، P . A. Brunt ، LEOB Press ، HARVARD College ،  
، Book8(Indica) ، Chapter32 ، ۱۹۸۳م،

<sup>44</sup> . پیرنیا، حسن، تاریخ ایران باستان، جلد سوم، انتشارات دنیای کتاب، تهران، ۱۳۸۱، صفحه ۲۲۹۵

- ۱- امپراطوری هخامنشی، پیر بریان، ترجمه ناهید فروغان، نشر فرزانه، تهران ۱۳۸۱
- ۲- تاریخ ایران باستان، حسن پیرنیا، انتشارات دنیای کتاب، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۸۱
- ۳- تاریخ ماد، ا.م. دیاکونوف، ترجمه کریم کشاورز، نشر پیام، تهران، ۱۳۵۷
- ۴- تاریخ هرودوت، هرودوت، ترجمه هادی هدایتی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۴
- ۵- جغرافیای استرابو، استرابو، ترجمه همایون صنعتی زاده، نشر موقوفات افشار، تهران ۱۳۸۲
- ۶- فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی، رلف نرمن شارپ، نشر پازینه، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۴
- ۷- کتابخانه های تاریخی، دیودور سیسیلی، ترجمه حمید بیکس شورکایی، اسماعیل سنگاری، نشر جامی، تهران، ۱۳۸۴
- ۸- کتیبه های هخامنشی، پی یر لوکوک، ترجمه نازیلا خلخالی، نشر فرزانه، تهران، ۱۳۸۲

#### کتابنامه لاتین

۱. **Anabasis** ,Arrian ، Translated By ، P . A. Brunt ، LEOB Press ، HARVARD College، ۱۹۸۳م، Book8(Indica)
۲. **Historeis** ، Herodotus ،Translated By ، A.D.Godley، LEOB Press، HARVARD College ۱۹۲۲م ،
3. **The History of Alexander** ,Rufus Quintus Curtius. ، Translated By ,John Yardley. Penguin Classics press ، London ۱۹۸۴م ،
4. <http://www.livius.org/arl-arz/arrian/arrian.html> ، Translated By ، Jona Lenderig



